

گریزِ دلپذیر



آنا گاوالدا

مترجم

الهام دارچینیان

www.nashrgharsh.com
info@nashrgharsh.com
nashrgharsh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

یادداشت مترجم

«گریزِ دلپذیر» آخرین اثر آنا گاوالد است، رُمانی کم حجم اما سراسر گிரایی، گفت وگوهای خیال پردازانه، سفری شادمانه به دنیای کودکی در کنار خواهر و برادرهای مان، آن زمان که هنوز بزرگ یا پیر نشده بودیم. ماجراجویی خواهران و برادرانی که از جشن عروسی یکی از فامیل های خود می گریزند تا چند ساعتی، زندگی روزمره و رنج های خود را فراموش کنند، تا شاید دوباره آن آرامش و دلخوشی را که زندگی شان در نقش آدم های بالغ و بزرگسال از آن ها ربوده، بازیابند. وقتی داستان را می خوانیم، گاه آرزو می کنیم ای کاش عضوی از آن ها بودیم.

گاوالدا در این کتاب هم با نوشتارِ صریح، واژه ها و جمله های موجز، مشاهده گرِ سراپا چشمِ رویدادها و واقعیت هایی است که از نگاه ما دور می ماند یا به نظرمان بی اهمیت می رسد، همان ها که زیر بارِ روزمرگی مدفون شده اند. گاوالدا از نزدیک و با شیفتگی به انسان ها نگاه می کند، آن ها را دوست دارد، گویی برای کسانی هم که خواندن را دوست ندارند، می نویسد.

چارچوب داستانی این اثر نیز چون آثار قبلی وی شخصیت - محور و

موقعیت محور است و باز هم بورژوازی و قراردادها و باورهای سترون‌کننده را به نقد می‌کشد و لحظه‌های زندگی واقعی را ارج می‌نهد. آری، زندگی دل‌مشغولی پابرجای گاو‌الداست. او بیش از هر چیزی از زیاده‌گویی بیزار است، زبان خود را می‌آفریند تا با واژه‌هایی نه کم، نه زیاد، از احساسات، عواطف و دل‌تنگی‌های آدمی بگوید.

در این کتاب همه‌ی درها به روی ما باز می‌شود تا یک‌باره به جهان کودکی، نوجوانی، جوانی یا هر جهانی که دوست داریم، بازگردیم و با لبخندها و اشک‌هایی که چون از میل به هم‌زیستی برمی‌آیند، بسیار موزون می‌نمایند، حس اطمینان‌بخش «با هم بودن» را باز یابیم. با هم‌بودنی که فکر از دست دادنش، غم عجیبی در دل مان می‌افکند. رفتارهای عاری از مهربانی و لطف، واکنش‌هایی که نفرت به ابتذال‌شان کشیده، بیزارمان می‌کند. با این همه بگذار همه چیز روشن باشد!

[... حرف زدیم، حرف‌ها زدیم، همان حرف‌های ده سال پیش، پانزده یا بیست سال پیش، یعنی کتاب‌هایی که خوانده بودیم، فیلم‌هایی که دیده بودیم، آهنگ‌هایی که گوش کرده بودیم و سایت‌هایی که کشف کرده بودیم. مجله‌های سریالی، گنجینه‌های آنلاین، موسیقی‌دان‌هایی که انگشت به دهان مان می‌کردند، بلیت‌های قطار، کنسرت‌ها، بلیت‌هایی که آرزو داشتیم برای عذرخواهی تقدیم مان شود، نمایشگاه‌هایی که به ناچار از بازدیدشان ناکام می‌ماندیم، دوستان مان، دوستان دوستان مان و داستان‌های عاشقانه، عشق‌هایی که دل مان را برده یا نبرده بود...]

گاو‌الدا از آن دست نویسنده‌ها نیست که فقط از خوشحال کردن خواننده‌هایش لذت ببرد، پس همان دم سرخوشی، ما را تا یک قدمی شکستن از غم می‌کشاند اما نمی‌گذارد در ورطه‌ی یأس فنا شویم.

انگار در دل واقعیت بمبی منفجر می‌شود. در این کتاب، واقع‌بینی بی‌چون و چرا اما مملو از امید گاو‌الدا، حساسیت آشوبگر و هوش سرشارش، او را از دام بدبینی بیرون می‌کشد و بیش‌تر دوست دارد، به اعتماد بین آدمیان امید بندد. ترس را دور می‌اندازد تا به مهارت شگفت‌انگیز آدمی‌شناسی دهد تا از درون خویش خوشبختی بیافریند. بعد از «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» و «من او را دوست داشتم»، «گریز دلپذیر» سومین اثر گاو‌الداست که توسط نشر قطره منتشر می‌شود. از همه‌ی منتقدان گرامی که نقدهای سازنده و امیدبخش درباره‌ی کتاب‌های قبلی نوشتند و همه‌ی خوانندگان باریک‌بین و پُرحرف که به پست الکترونیکی من پیام فرستادند صمیمانه سپاسگزارم. امیدوارم از خواندن این کتاب لذت ببرید.

الهام دارچینیان

۱۳۸۹